ای دختر ملکوت نامه‌ات رسيد و از مضمون معلوم گرديد که…

حضرت عبدالبهاء

Original English



## ٧٣

ای دختر ملکوت نامه‌ات رسيد و از مضمون معلوم گرديد که فکرترا حصر در اقتباس انوار از ملکوت اسرار نموده بودی تا فکرانسان متفرّق است ابداً نتيجه ئی نبخشد ولی اگر در يک نقطه فکر جمع شود نتائج عظيمه بخشد.

مانند آفتاب که در مرآت مسطّح تأثير تامّ ندارد ولی چون در مرآت مقعّر يا در مرآت محدّب تجلّی نمايد جميع حرارت در نقطه جمع شود و آن نقطه از آتش حرقتش بيشتر است پس بايد فکر را در نقطه جمع کرد تا قوّه نافذه گردد .

خواسته بودی که در روز رضوان محفلی بيارائی و بزم و جشنی فراهم آری و نفوسيکه در آن روز در آن محفل اجتماع نمايند بنهايت سرور و حبور بتلاوت الواح پردازند و از من نامه خواستی که در آن روز بخوانی آن نامه در ذيل است .

ای ياران و اماء رحمن امروز روزيست که شمس حقيقت از افق وجود اشراق نموده فجرش ساطع و شعاعش لامع بقوّتيکه ابرهای متراکمه متلاشی شد و در نهايت اشراق از افق عالم طالع و لائح گشت اينست که در کائنات اهتزاز جديدی مشاهده مينمائيد.

ملاحظه کنيد که دائرهء علوم و فنون در اين عصر چه قدر اتّساع يافته و صنايع و بدايع عجيبه چگونه جلوه نموده و قوای فکريّه چگونه ترقّی کرده و اختراعات عظيمه چگونه بظهور آمده.

اين عصر حکم صد عصر دارد يعنی اگر آثار صد عصر را جمع نمائی و آثار اين عصر را نيز جمع نمائی آثار اين عصر تفوّق بر آثار صد عصر دارد مثلاً جميع کتبی که در اعصار ماضيه تأليف شده جمع نمائی و کتب و رسائلی که در اين عصر تأليف شده آنرا نيز جمع نمائی کتب مؤلّفه در اين عصر اضعاف مضاعف کتبی است که در اعصار ماضيه تأليف شده است ملاحظه نمائيد که اشراق نيّر آفاق چه تأثير در حقايق موجودات نموده.

ولکن هزار افسوس که چشمها نابينا و گوشها ناشنوا و عقول و قلوب غافل از اين موهبت کبری پس بجان و دل بکوشيد تا خفتگان بيدار شوند و کوران بينا گردند و مردگان زنده شوند \*